

مقدمه‌ای بر  
**موسیقی  
پشناسی  
قومی**

محسن جاریان



فرهنگ ملی و سنتی  
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

بزو هشگاه

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری  
رئیس شورای کتاب: دکتر سید طه هاشمی  
دبیر شورای کتاب: دکتر جواد نیستانی

اعضاء شورا: ابوالقاسم اسماعیل پور، دکتر جواد الماسی، دکتر محمد رضا چیت‌ساز، دکتر احمد خوشنویس،  
مهندس عبدالمجید شریف‌زاده، دکتر حسن فاضل نشلی، مهندس عادل فرهنگی، دکتر احمد محیط طباطبایی،  
دکتر سید مهدی موسوی کوهپیر، محمد میر شکرایی، دکتر عبدالرسول وطن‌دوست

انتشارات



کتاب‌سرای نیک

عنوان پژوهش: مقدمه‌ای بر موسیقی‌شناسی قومی - بر مبنای برنامه‌های تحقیقی سال ۱۳۸۴  
پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

---

نوبت چاپ: اول

---

تیراژ: ۶۰۰ جلد

---

پژوهشگر: محسن حجاریان ناظر پروژه: علیرضا حسن‌ر

---

داوران علمی کتاب: محمد رضا درویشی، حمید رضا اردلان

---

مدیر مالی پروژه تحقیقی: ژیلا مشیری

---

مسئول آرشیو تحقیقات: مریم شکیب

---

ویرایش ادبی: شیما زارع تایپست: ژیلا آیند

---

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۳-۰۳-۵

---

حق مادی چاپ برای انتشارات کتاب‌سرای نیک محفوظ است.

---

خیابان وصال شیرازی شماره ۵۴ طبقه ۵ واحد ۱۵

تلفن: ۶۶۴۸۰۸۷۱ فکس: ۶۶۴۸۰۸۷۰

Email: [nikbook@gmail.com](mailto:nikbook@gmail.com)

## فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۳۳	نگاهی به تاریخ موسیقی شناسی قومی مکتب برلین و مکاتب آمریکایی
۷۷	مردم شناسی و موسیقی
۱۱۷	نظریه و روش تحقیق در موسیقی شناسی قومی
۱۵۹	موسیقی شناسی تاریخی و قوم نگاری
۲۰۵	زبان و موسیقی
۲۴۹	نظریه تکاملی و اشاعی در موسیقی شناسی قومی
۲۸۹	نظریه نگرش از درون و بیرون
۳۲۵	دیدگاه های ساز شناسی
۳۶۳	آیکانوگرافی و موسیقی شناسی
۳۸۱	آیا موسیقی ایرانی از موسیقی یونان باستان گرفته شده است؟
۴۲۳	درآمدی بر فرهنگ شناسی موسیقی ایرانی
	شرق و غرب ایران دو فرهنگ متفاوت صورت بندی پردگانی و
۴۶۱	دستگاهی
۵۰۹	فهرست اعلام

یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم دانش مردم‌شناسی «موسیقی» است. شاخه‌ی موسیقی‌شناسی قومی یک شاخه‌ی میان‌رشته‌ای میان دو دانش مردم‌شناسی و موسیقی‌شناسی محسوب می‌شود و مردم‌شناسی یکی از خاستگاه‌های شکل‌گیری این گرایش میان‌رشته‌ای است. یکی از وظایف پژوهشکده مردم‌شناسی معرفی شاخه‌های علمی وابسته به رشته‌ی مردم‌شناسی محسوب می‌شود. با این هدف کتاب مقدمه‌ای بر موسیقی‌شناسی قومی منتشر می‌شود. زمینه‌های مطالعاتی چون موسیقی‌شناسی قومی می‌تواند، راه بر مطالعات میان‌رشته‌ای بگشاید، شاید مطالعاتی از این دست درک ما را نسبت به مقوله هویت فرهنگی در ایران قوی‌تر سازد، کلیت‌هایی چون مقوله‌ی هویت ملی، قومی دینی و ... تنها با بررسی اجزای انضمامی آن قابل فهم خواهد بود، آنگونه که فهم موسیقی قومی بدون گونه‌هایی از خوانش مبتنی بر رشته‌های علوم اجتماعی چون مردم‌شناسی در دسترس نیست، قدرت دانش مردم‌شناسی و رشته‌هایی چون آن، درک سطوح متکثر متون فرهنگی (موسیقی و ...) است، آنگاه اهمیت این موضوع آشکار می‌شود که به خوانش تک‌سویه متون فرهنگی ایران در طی سده اخیر نگاهی انتقادی بیافکنیم، و از سطوح ستایش‌گرایانه‌ای چون خوانش ناسیونالیستی فراتر رویم. امید است که انتشار اثر مزبور - به عنوان یک اثر برجسته - آشنایی افزون‌تر محققان، مردم‌شناسان و موسیقی‌شناسان ایرانی را با شاخه یادشده فراهم سازد. در این میان جا دارد از آقای علیرضا حسن‌زاده

عضو هیأت علمی و مدیر گروه اسطوره و آیین پژوهشکده مردم‌شناسی به عنوان ناظر پروژه که با دوندگی‌های زیاد امکان چاپ سریع‌تر اثر مزبور را پس از دریافت مجوز از وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی فراهم آوردند و نیز کارشناس محترم سرکار خانم ژیلما مشیری که به این شتاب‌یاری رساندند. سپاس خود را اعلام دارم. در انتشار این اثر مؤسسه انتشاراتی کتاب‌سرای نیک همراه و یاور ما بوده است، که سپاس فراوان خود را از این مؤسسه و مسئولین آن اعلام می‌داریم، و امیدواریم همکاری یادشده ثمراتی افزون‌تر از این کتاب نیز بدهد.

مرتضی رضوانفر  
ریس پژوهشکده مردم‌شناسی

شرق و غرب ایران... • ۵۰۵

ایرانی یکی در سرخوردگی و فضای بسته آن و دیگر نفس آزادی در بدیهه‌نوازی دستگاه است. تعیین و جسمانیت حکایت از دربند کشاندن اندیشه موسیقایی ایرانی برای تثبیت ساختارهای اجرایی موسیقایی ایرانی است. گوهر آگاهی موسیقی ایرانی نقش خود را در آزادوارگی‌های اجرای دستگاه‌ها جست‌وجو می‌کند و این همانند جسمانیت مجسمه است که با اندیشه مجسمه‌ساز خود در تضاد است. هگل در جایی می‌گوید: «اندوه خدایان یونان به خاطر جسمانیت‌شان است، ما سرنوشت آنان را در تندیس‌های‌شان مشاهده می‌کنیم. تضاد میان کلیت و جزئیت، معنویت و حس است که منجر به انحطاط هنر کلاسیک می‌شود.»

هنگامی که هنر یا بخشی از پدیده‌های هنری به عوامل یا نمودهای دیگر اجتماعی وابسته می‌شوند استقلال خود را از دست می‌دهند و این به منزله آن است که آن هنر، از دیدگاه ارائه اندیشه هنری خود، قائم به خود نیست و اگر پدیده هنری قائم به خود نباشد به منزله این است که آن هنر آزاد نیست. یک پدیده هنری هنگامی آزاد است که به نفس خود استوار باشد و خود مستقلاً از زبان خودش سخن بگوید و خود را تحقق بخشد. فرهنگ‌شناسی موسیقی ایرانی، روند رشد یا تحول یا تکامل موسیقی ایرانی را در رابطه با تحولات کلی فرهنگ در جامعه و در تاریخ بررسی می‌کند. جغرافیای حوزه خراسان بعد از اسلام تا حمله مغول حوادث تاریخی و آگاهی‌های اجتماعی را از سرگذرانده که با آنچه در حوزه غرب ایران بعد از مغول اتفاق افتاده، متفاوت است. این تفاوت به انحاء مختلف تأثیر خود را بر روند یا دگرگونی موسیقی ایرانی بر جای نهاده است. به چند نمونه آن فهرست‌وار اشاره می‌کنیم. قرارگرفتن ایران در محدوده مناسبات تولید آسیایی و استبداد شرقی، وجود نظام برده‌داری آشکار و پنهان در خراسان بعد از اسلام تا زمان مغول، نقش آب و هوا و جایگاه اقلیمی ایران، پیدایش عرفان ایرانی، ساختار فرم‌های غنایی، رباعی و نشیب، زبان فارسی در خراسان، گسترش آیین تسنن در خراسان، و آنچه در غرب ایران بعد از مغول اتفاق می‌افتد از این

اگر اختلاف زبان موسیقی ایرانی، که تکرار زبان کودکی خود است، را با زبان استعاری مولانا و حافظ که اوج کمال زبان استعاری فارسی است بسنجیم، خواهیم دید که بعد مسافت دو پدیده هنری در فرهنگ ایران تا چه اندازه چشمگیر است. صرف این مقایسه، ماهیت نابالغ موسیقی ایرانی و کیفیت ناچیز آن را، در اجراها، بر ما آشکار می‌کند. نکته‌ای را هم که باید در اینجا تکرار کنم این است که ماهیت این گفت و گو بر سر اندیشه اجرای موسیقی ایرانی است، نه ذات آن. چه از این دیدگاه بین اجرای موسیقی ایرانی، که بار اندیشه ضعیف هنرمند ایرانی را در خود دارد، و نفس موسیقی ایرانی به عنوان مجرد موسیقی که حاوی غنای فوق‌العاده است، تفاوتی کیفی وجود دارد. این نکته به مجموعه عوامل اجتماعی و عناصر فرهنگی ایران در درازنای تاریخ ما، به ویژه تاریخ بعد از حمله مغول و دگرگونی اوضاع اجتماعی و انتقال فرهنگ ایران از حوزه شرق به غرب آن باز می‌گردد. در فرهنگ ایرانی آمیخته با اندیشه تشیع بعد از دوران مغول، به طور نسبی، جایگاه موسیقی در جامعه تاریخی ایران ارزش کم‌تری دارد. رفتار و واکنش کلی جامعه در قبال نوازندگان و سازندگان موسیقی رفتاری نابرابر بوده و همین نابرابری تأثیر خود را در انزوای و طرد نسبی آنان از کل جامعه برجای گذاشته است. تأثیر این انزوا در نوازندگان و سازندگان موسیقی ایرانی موجب سلب آزادی اندیشه هنری شده که بخش عظیمی از ذهنیت موسیقی ما را در فرم‌های بدیهه‌نوازی درآورده است. حجم بدیهه‌نوازی موسیقی ایرانی به مراتب بیشتر از رپرتوار ثبت شده در ردیف موسیقی ایرانی است. فقدان آزادی نسبی اندیشه نوازندگان ایرانی از یک سو و کم بودن حجم ردیف در مقابل کثرت نابرابر فرم‌های بدیهه‌نوازی که همگی ریشه در ذهنی کاری هنر موسیقی ایرانی دارند این نکته را اثبات می‌کند که اندیشه موسیقی ایرانی بیشتر در گیرودار حفظ موجودیت شخصی خود بوده است. نزدیک به هفت قرن از پیدایش ردیف و دستگاه‌های ایرانی می‌گذرد. دو جنبه عمده و اختلاف اساسی ماهیت ردیف و دستگاه‌های

مهم‌ترین جایگاه موسیقی، بستر فرهنگ اقوام است. فرهنگ صورتی از اندیشه است که گونه‌ای از آن، هستی را در قالب موسیقی پدیدار می‌سازد. موسیقی بازتاب درونی‌ترین وابستگی‌های فرهنگی هر قوم است که با انتزاعی‌ترین زبان هنری، ویژگی‌های قومی را در قالب فرهنگ متجلی می‌کند. واکاوی این پدیده پیچیده در درون فرهنگ اقوام بخشی از کار تجسس‌ات موسیقی‌شناسی قومی است.

این کتاب کوشش کرده است تا نمونه‌هایی مهم از نظریات و فرضیه‌های موسیقی‌شناسی قومی را که از شاخه‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، قوم‌نگاری و غیره بهره برده است. به اختصار توضیح دهد. در جای جای کتاب به ضرورت به نیاز آموزش و کاربرد آن فرضیه‌ها برای شناخت موسیقی ایرانی اشاره شده است.

